

رابطه آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

احترام سعادت فر^۱

چکیده

در نوشته حاضر، رابطه آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی شده است. از این رو سه دیدگاه مطرح شده است: تقدم امنیت بر آزادی، تقدم آزادی بر امنیت و تعامل آزادی و امنیت. نگارنده، مدعی است که از دیدگاه امام، در جمع بین آزادی‌های مشروع و امنیت هیچ تعارض و تضادی وجود ندارد. و در واقع بین آن دو یک رابطه تعاملی برقرار است. در نسبت میان آزادی و امنیت توجه به این مسئله حائز اهمیت است که امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی است و برای نهادینه ساختن تعامل آزادی و امنیت لازم است مجموعه قوانینی وضع و به اجرا گذارده شود تا با تأمین امنیت در همه سطوح، بر این مسئله نظارت و تأمین آزادی را به‌طور مداوم ضمانت نماید. با توجه به آثار و بیانات حضرت امام خمینی (ره)، می‌توان گفت که، نهادها می‌توانند در تنظیم این تعامل مؤثر باشند. مثلاً: نهادهایی چون خانواده و تعلیم و تربیت می‌توانند کودکان را از همان دوران کودکی طوری تربیت کنند که خواهان تحقق آزادی و امنیت باشند و نهادی چون حکومت می‌تواند با اجرا کردن قوانین اساسی و قوانین اسلامی در جامعه و نظارت بر آن و از طریق به‌کارگیری راهکارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... زمینه را برای ایجاد توأمان آزادی و امنیت در جامعه فراهم کند. واژه‌های کلیدی: امنیت، آزادی، امام خمینی، رابطه آزادی و امنیت.

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه باقر العلوم (ع) و سطح دو جامعه الزهرا

مقدمه

برخورداری از امنیت و آزادی، حق مردم یک جامعه است. اما رابطه آزادی و امنیت چگونه است؟ در بررسی نسبت بین آزادی و امنیت سه دیدگاه ارائه شده است: دیدگاه نخست، یک تلقی سنتی که به تقدم امنیت می‌اندیشد و امنیت را در مقابل آزادی تعریف می‌کند. در این‌جا حوزه آزادی‌ها با محدودیت‌های امنیتی محدود و حتی تهدید می‌شود. نظریه نهادگرایی هویتی نیز در همین برداشت تحلیل‌پذیر است.

نهادگرایی هویتی معطوف به تقدم نظم و امنیت بر آزادی است. نهادگرایی هویتی معطوف به نظم امنیتی است و نظم سیاسی را به منزله یک هدف، مفروض می‌گیرد. این هدف به وسیله دولت تأمین می‌شود و از این رو نهاد دولت، اهمیت فراوان یافته است و بر گروه و فرد، اولویت و ارجحیت می‌یابد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۶۷، ۶۸، ۱۷۱)

آقای هابز، از جمله افرادی است که امنیت را بر آزادی مقدم می‌داند. او با آزادی‌های فردی و گروهی مردم که به زعم وی می‌تواند مایه هرج و مرج و از هم گسیختگی سامان اجتماعی و در نتیجه از میان رفتن امنیت گردد، به مخالفت جدی برمی‌خیزد و آزادی را تنها برای حاکمیت، مطلوب می‌داند تا بتواند تمایلات هرج و مرج طلبانه‌ای که در سرشت افراد انسانی است سرکوب و در نتیجه مهمترین اولویت‌های زندگی بسامان بشری، یعنی امنیت را تأمین نماید. از نگاه هابز، آزادی و امنیت دو مفهوم متقابل‌اند با نسبت معکوس و از آن‌جا که امنیت برای جامعه حیاتی‌تر است برای حفظ آن می‌بایست آزادی‌های فردی را هرچه محدودتر ساخت. (رضوی فقیه، ۱۳۷۹، ص ۹)

دیدگاه دوم، معتقد به تقدم آزادی بر نظم و امنیت است. از این دیدگاه با عنوان نهادگرایی حقانیتی نیز یاد شده است. بر مبنای این تلقی، از آن‌رو که قدرت می‌تواند فاسدکننده باشد، باید نوعی سازوکار در نهاد دولت ایجاد شود تا انباشت قدرت نتواند تهدیدی متوجه حقوق اساسی مردم و به‌ویژه آزادی‌های آنها نماید. در این دیدگاه، برخلاف دیدگاه پیشین، این مفروض نهفته است که امنیت و قدرت می‌بایست در خدمت جامعه باشد و نه در خدمت حاکمان و صاحبان قدرت. (پیشین، ص ۶۸، ۶۹، ۱۷۳)

از جمله افرادی که معتقد به تقدم آزادی بر امنیت است، می‌توان جان لاک را مثال زد. جان لاک معتقد است که آزادی مقدم بر امنیت است. او بر این باور است که در وضعیت طبیعی، صلح و امنیت وجود دارد و آن چیزی که اهمیت و ارزش دارد تأمین شدن حقوق و آزادی‌های مردم است و یکی از اهداف دولت بایستی حفظ و تأمین آزادی‌های شهروندان باشد. از نظر جان لاک آزادی نه تنها مخل امنیت در جامعه نیست، بلکه ارزشی برتر از امنیت است. (میراحمدی، ۱۳۸۳)

دیدگاه سوم، در رابطه میان آزادی و امنیت به نوعی تعامل می‌اندیشد و به گونه‌ای بروز و تأمین هر یک مبتنی بر دیگری است. از این رو در فقدان امنیت، از آزادی اثری نیست و در غیاب آزادی، امنیتی وجود نخواهد داشت. اساساً امنیت برای تضمین و تأمین آزادی‌های اساسی و مشروع انسان است. بنابراین در این رویکرد تقدم امنیت بر آزادی و بالعکس، نفی و بر تعامل آن دو تأکید می‌شود. در این برداشت بدون این‌که

اهمیت یکی از آن دو کاهش یابد، افراد و گروه‌ها برای آنکه از حد معقولی از آزادی بهره ببرند، از بخشی از آزادی‌های خود چشم‌پوشی می‌کنند و در مقابل از امنیت برخوردار می‌شوند تا در چنین فضایی به فعالیت‌های آزادانه خود بپردازند. (لکزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).

در این دیدگاه، مفاهیم آزادی و امنیت با یکدیگر در ارتباط هستند. از این رو اگر آزادی، با حضور امنیت همراه نباشد، قابل استفاده نیست؛ زیرا در یک فضای امن می‌توان به آزادی هم دست یافت. در طرف دیگر، اگر امنیت هم فاقد حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی باشد، نمی‌توان از امنیت سخن گفت. زیرا فقدان عنصر امنیت در جامعه، می‌تواند مساوی با حضور استبداد و دیکتاتوری باشد تا امنیتی که در آن بتوان از آزادی برخوردار شد. (رادمند، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴ - ۲۲۳)

نگارنده، مدعای خود را بر دیدگاه سوم، استوار ساخته و به این بحث در اندیشه سیاسی امام خمینی پرداخته است. از این رو، بر این باور است که در نگاه امام خمینی، رابطه بین آزادی و امنیت یک رابطه تعاملی است و برخی از نهادها می‌توانند در تنظیم این تعامل نقش داشته باشند.

مفهوم‌شناسی

آزادی

برخی از نویسندگان، واژه «آزادی» را از واژه اوستایی «آزاته» و یا واژه پهلوی «آزایته» دانسته‌اند. (بیات، ۱۳۸۱، ص ۹)

فرهنگ عمید، آزادی را: «بی‌قید و بند، رسته وارسته، یله، ضد بندگی...» معنی کرده است. (عمید، ۱۳۶۱، ص ۵۱)

المنجد نیز «الحریه» را این‌گونه معنی کرده است: «آزادی، آزادنشی، خلوصی، بی‌آلایشی، پاکی». (معلوف، ۱۳۶۵، ص ۱۲۴)

در پاسخ چستی آزادی و فضاهای گوناگون آن آثار متنوع و متعددی به نگارش درآمده است. اما این پرسش جای طرح و بررسی دارد که چرا هنوز بشر به یک برداشت و تفسیر واحد و البته مورد پذیرش همه از آزادی دست نیافته است و تلقی‌های گوناگونی از آزادی رواج دارد. این تنوع و تعدد بحث از آزادی و ابعاد مختلف آن از آن رو است که هر اندیشمند با توجه به پیش فرض‌ها و مسلک و مرام خویش به تعریف این واژه مهم و اساسی در زندگی سیاسی بشر پرداخته و شاخص‌های ویژه‌ای برای آن بر شمرده است. به نوشته آیزایا برلین «در تاریخ بشر همه اخلاقیون آزادی را ستوده‌اند. اما معنی آزادی نیز مانند کلمات خوشبختی، خوبی، طبیعت و حقیقت به قدری کشدار است که با هرگونه تفسیری جور در می‌آید». (برلین، ۱۳۶۸، ص ۲۴۳)

اساسی بودن بحث از مسئله آزادی از آن رو است که آزادی همواره مطلوب آدمیان بوده است و چه بسیار مبارزات و فداکاری‌ها و برخوردها که به خاطر به دست آوردن آن صورت نگرفته است. آزادی یک ضرورت است. ضرورتی که برگرفته از زندگی آدمی است. زیرا انسان تنها موجود صاحب اختیار و اراده است که می‌تواند با تفکر و تأمل تصمیم‌گیری نماید و در نهایت به انجام کاری که مورد رضایت و مطابق میل اوست

مبادرت کرده و یا از انجام کاری که باب طبع او نیست اجتناب ورزد. اگر آزادی از آدمی دریغ شود، جوهره آدمی، که انتخاب و اختیار آگاهانه و آزادانه همراه با مسئولیت است، رخت بر بسته است. در این صورت چه انتظاری از یک موجود بدون اراده و فاقد آزادی می‌توان داشت. آیا می‌توان او را مسئول انجام اعمالی دانست که مرتکب می‌شود؟ به طور قطع پاسخ منفی است. آدمی نسبت به همه کارهایی که انجام می‌دهد بازخواست می‌شود، زیرا آزاد آفریده شده است. از سوی دیگر می‌توان گفت انسان مکلف است، چرا که آزاد می‌زید و آزاد آفریده شده است و دارای حق و حقوقی است که در نهاد وی به ودیعت نهاده شده است. به هر تقدیر بر تعریف آزادی اتفاق حاصل نشده است. (لک‌زایی، ۱۳۸۰)

در این جا به برخی از تعاریفی که از آزادی شده اشاره می‌شود :

شهید مطهری در تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی یعنی نبودن مانع در راه رشد و طی کردن کمال» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۰).

میرزای نائینی - از علمای به نام عصر مشروطه - آزادی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«آزادی قلم و بیان و نحوها... که از مراتب آزادی خدادادی است، حقیقتش عبارت از رها بودن از قید تحکیمات طاغوت و نتیجه مقصود آن بی‌مانعی از موجبات تنبیه ملت و بازشدن چشم و گوش است و پی بردنشان به مبادی ترقی و شرف و استقلال وطن و قومیت‌شناسی و اهتمامشان در حفظ دین و تحفظ بر ناموس...» (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱)

آیزیا برلین می‌گوید: «معنای اصلی آزادی عبارت است از: آزادی از بند و زندان، آزادی از بردگی غیر؛ باقی هر چه هست توسع در این معنا یا معنای مجازی است.» (برلین، ص ۲۳۶)

آقای منتسکیو، آزادی را به «انجام هر کاری که قانون اجازه داده» تعریف می‌کند. (منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۲۹۴)

امام خمینی، آزادی را این‌گونه تعریف می‌کند :

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آن‌جا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵)

به هر حال آزادی یعنی این‌که انسان توانایی انتخاب‌گری داشته باشد و مانعی در پیش‌روی خواسته‌هایش نباشد. این انتخاب‌گری در نزد اندیشمندان مسلمان در راه رسیدن به خواسته‌های عالی انسانی و رسیدن به سعادت و تکامل است که با تفسیرهای اندیشمندان غربی از آزادی تفاوت بنیادین دارد.

امنیت

از هنگامی که انسان پا به عرصه گیتی نهاد تا زمان حاضر، همواره پیوندی ناگسستنی میان جوهر هستی او و جستجوی امنیت وجود داشته است. البته نمی‌توان نقطه آغاز مشخصی برای حیات بشری یافت؛ اما از ابتدای خلقت انسان و پا به عرصه گیتی نهادن او، امنیت از مهمترین دغدغه‌های بشر بوده است. امنیت دارای

تعاریف زیادی است ولی هر فرهنگ و مکتبی برای خود باید تعریف روشنی داشته باشد تا بر اساس آن حرکتش را تنظیم کند.

در «فرهنگ لغات» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن، آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ «عمید» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است. (عمید، ص ۳۵۴)

سازمان ملل متحد در پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می‌کند: «این‌که کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند» (روشندل، ۱۳۷۴ ص ۱۱).

و آقای باری بوزان می‌گوید:

امنیت عبارت از حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌باشد. (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۲)

در آراء امام خمینی، امنیت تعریف نشده است، اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. بحث امنیت در مباحث امام(ره)، با واژه‌های مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله می‌توان از فقدان تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال و... نام برد. از این رو صرفاً نباید در پی دانش واژه امنیت بود. ایشان امنیت را یک نعمت تلقی کرده است و در موارد متعددی آن را می‌ستاید. از جمله در یک مورد ضمن مقایسه با نظام پهلوی معتقد است، در نظام جمهوری اسلامی امنیت مردم به خوبی تأمین شده و دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان از حکومت و نهادهای منتسب به آن خاتمه یافته است:

«این‌هایی که پنجاه‌وچند سال زیر شکنجه صبر کردند، حالا آزاد شدند. حالا دیگر خوف این‌که یک کسی بیاید بیخود بگیردشان ندارند. خوف این‌که یک نظامی بیاید بزند تو سرشان ندارند. یک نعمت بزرگی که به شما خداوند تعالی عنایت فرموده است که در منزلتان راحت می‌خوابید، ترس از سازمان امنیت ندارید، ترس از ارتش ندارید، ترس از حکومت ندارید.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۵۶).

و در موارد مشابه دیگری نیز ایشان این مقایسه را انجام داده و بر این نکته تأکید کرده است که دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد، که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در یک جامعه به شمار می‌رود، خبری نخواهد بود:

«دیگر قضیه سازمان امنیت در کار نیست، زجرهای سازمان امنیت دیگر در کار نیست، دیگر نمی‌توانند پاسبان‌ها به ما زور بگویند و به ملت ما زور بگویند. دیگر نمی‌تواند دولت به ملت زور بگوید، دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد.» (همان، ج ۶، ص ۶۳ و نیز، ج ۷، ص ۷)

در این دیدگاه، امنیت برای مردم است و در خدمت مردم است و دولت موظف است ابزارهای ناامنی و تهدید را از جامعه بزدايد و در تأمین امنیت و تأمین سلامت و بهداشت روانی و ذهنی و فیزیکی افراد و گروه‌ها تلاش وافر نماید. این مسئله می‌تواند موجبات اعتماد و اطمینان مردم به حکومت و نیز مشروعیت آن را افزایش دهد و تهدیدات داخلی و خارجی حکومت را بی‌اثر سازد.

در مجموع می‌توان گفت که حضرت امام خمینی (ره)، شخصیتی بود که نه تنها امنیت و آسایش نظام ظالمانه شاهنشاهی را در ایران در هم ریخت، بلکه هیمنه استکبار جهانی و استعمارگران شرق و غرب را در هم شکست و مدعیان دروغین نظم نوین جهانی را رسوا کرد و جهانیان به ویژه مستضعفان و ستم‌کشیدگان را به آرامش و امنیت در سایه عزت و اقتدار اسلام ناب محمدی دعوت نمود. با مراجعه به راه امام و کلام آن بزرگوار می‌توان چنین برداشت کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق می‌باشد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظمی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد و به شکل ظاهری بسنده نمی‌کند.

تقابل یا تعامل آزادی با امنیت

چگونگی ارتباط آزادی و امنیت بحثی بسیار پر اهمیت است. تاکنون نیز مطالبی در این زمینه ارائه شده است. نوع ارتباط آزادی و امنیت، به تعریفی که هر اندیشمند از این دو مفهوم ارائه می‌دهد باز می‌گردد. امنیت و آزادی را می‌توان در رابطه با یکدیگر این‌گونه تصور نمود:

- ۱) در جامعه‌ای آزادی باشد و امنیت نباشد؛
 - ۲) امنیت باشد و آزادی نباشد؛
 - ۳) هم امنیت باشد و هم آزادی؛
 - ۴) نه امنیت باشد و نه آزادی. به نظر می‌رسد که بهترین جوامع آنهایی هستند که از هر دو این نعمت‌ها برخوردارند؛ و حضرت امام خمینی (ره)، هم آزادی را یک نعمت الهی و بزرگ می‌دانستند و هم امنیت را. و می‌توان گفت بدترین جوامع آنهایی هستند که از هر دو بی‌بهره‌اند. (منصورنژاد، ۱۳۸۵)
- به نظر نگارنده، یکی از مطالبی که اشاره بدان در این‌جا لازم است، چگونگی تقدم یا اولویت یکی از این دو مفهوم بر دیگری است. نوع و چگونگی این تقدم، جای بحث دارد. تقدم دارای انواعی است از جمله: تقدم رتبی، ارزشی، زمانی و غیره. در این‌جا، این پرسش به ذهن می‌آید که آیا می‌توان از تقدم یکی از این دو بر دیگری سخن گفت و امنیت را فدای آزادی نمود و یا بالعکس؛ زیرا که فرض می‌شود یکی از این دو مهمتر از دیگری است؟

به نظر می‌رسد، این‌گونه می‌توان پاسخ داد که اگر این تقدم و تأخر از نظر زمانی باشد، این پرسش، پرسش درستی نیست و دلیلی ندارد که از تقدم زمانی آزادی و یا امنیت دفاع شود. مثلاً؛ کسی بر این باور باشد که در یک مقطع باید برای امنیت برنامه داشت و در مقطع دیگر به آزادی اندیشید و یا بالعکس. زیرا همه دولت‌ها هم‌زمان می‌توانند هم به امنیت بپردازند و هم حدود و حقوق جامعه در رابطه با آزادی‌های مشروع را رعایت کنند و البته قابل ذکر است که زمان و مکان بر امنیت و آزادی مؤثرند و مثلاً در شرایط بحرانی و جنگ ممکن است، امنیت بیش‌تر از آزادی مورد اهتمام باشد (نه این‌که آزادی‌های مشروع، نادیده گرفته شود) و در شرایط عادی صلح، آزادی نسبت به امنیت بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد (نه با این معنا که امنیت مورد غفلت قرار گیرد).

اما اگر تقدم و تأخر امنیت و آزادی، تقدم و تأخر زمانی نباشد، بلکه تقدم و تأخر رتبی و شأنی باشد، پرسش آن است که جایگاه، ارزش و شأن آزادی از امنیت بالاتر است یا برعکس؟ شاید بتوان به دلایل زیر از تقدم آزادی نسبت به امنیت دفاع نمود: اولاً، انسان به دلیل این که آزاد به دنیا می‌آید و به صورت تکوینی از سوی خداوند آزادی در نهاد او به ودیعه نهاده شده است، همواره از آزادی برخوردار است. و در واقع آزادی یک امر ذاتی و فطری است. ثانیاً، اگر دو فضای متفاوت را فرض کنیم که در یکی امنیت برقرار است و آزادی وجود ندارد و در دیگری بالعکس، آزادی هست، اما امنیت وجود ندارد، تصور این که از جامعه امن می‌توان به آزادی رسید بعیدتر از آن است که از جامعه آزاد می‌توان تأمین امنیت نمود؛ زیرا معمولاً دولتمردان تضمین‌کننده امنیت به شمار می‌روند و علی‌القاعده، هیچ حاکم و دولتمردی، دخالت، نظارت و کنترل دیگران بر اریکه قدرت را نمی‌پسندد و از این رو تمایل دارند که به بهانه‌های مختلف از جمله حفظ امنیت از آزادی‌های مردم بکاهند، اما متولی آزادی، آحاد جامعه‌اند. اگر مردم جامعه‌ای از نعمت آزادی برخوردار شدند در اقدامات بعدی به سوی حصول امنیت و راهکارهای علمی برای تحقق آن کشانده می‌شوند. این جاست که با آزادی می‌توان به امنیت رسید، ولی امنیت لزوماً به آزادی منتج نمی‌گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹)

در واقع می‌توان گفت: «امنیت، آزادی از عدم امنیت است.» (تاجیک، ۱۳۸۰، ص ۴۳)

در مجموع می‌توان گفت که، در مقولات اجتماعی که با یکدیگر ارتباط دارند، غالباً نمی‌توان قائل به تقدم و تأخر زمانی شد؛ چون این مقولات با یکدیگر رابطه دوسویه دارند و هر یک می‌تواند به تقویت دیگری کمک کند یا به تضعیف دیگری بیانجامد. (آرمین، ۱۳۸۷)

آزادی و امنیت، دو مقوله مستقل اما مرتبط با یکدیگرند. آزادی و امنیت، دو روی یک سکه‌اند. به گونه‌ای که هیچ امکانی برای جداسازی این دو رویه از یکدیگر وجود ندارد. آزادی که با خود امنیت به همراه نداشته باشد، در حقیقت، آزادی نیست بلکه نوعی هرج و مرج و آناشسیسم است و از سوی دیگر، امنیتی هم که متضمن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نباشد، فی‌الواقع امنیت نیست؛ بلکه نوعی دیکتاتوری و خشونت است. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱)

اگر امنیت را در برخی اشکال نازل و سنتی خلاصه کنیم، ممکن است به عدم ارتباط آن با آزادی و یا تقدم آن بر آزادی معتقد بشویم؛ زیرا تا امنیت جان و تأمین حق حیات در میان نباشد، آزادی مفهومی نخواهد داشت. اما اگر امنیت را در اشکال امروزی آن در نظر بگیریم، تعادل در تعامل بین توسعه، امنیت و آزادی برای کشور یک ضرورت انکارناپذیر است. (فیاض، ۱۳۸۷)

آزادی چیزی جز بهره‌مندی مطلوب و قاعده‌مند از حقوق شهروندی نیست. در دنیای امروز، حکومت و دولت، قدرت و اقتدار خود را از طریق نهادهای مختلف اعمال می‌کنند و اگر تضمین‌های کافی و تمهیدات عینی برای تحقق آزادی به نحو نهادینه وجود نداشته باشد و اگر مکانیزم‌های نظارت و کنترل عمومی بر نهادهای قدرت و حکومت وجود نداشته باشد، قطعاً امنیت شهروندان در معرض تهدید قرار گرفته و قدرتمندان با نفوذشان در مراکز قدرت و نهادهای حکومت، به راحتی خواهند توانست حقوق و امنیت شهروندان را مخدوش و پایمال کنند. حتی اشکال سنتی و نازل امنیت هم در صورت وجود آزادی و وجود

اهرم‌های کنترلی و نظارت عمومی بوده است. و در هر صورت، امنیت با فراهم بودن عرصه نقد و انتقاد، به نحو صحیح‌تر و کامل‌تری محقق خواهد شد. البته یک خطر بزرگ نیز در این میان وجود دارد و آن به ابتذال کشیده شدن واژه مقدس آزادی است. این خطر هنگامی نمایان می‌گردد که همگان دم از آزادی‌خواهی بزنند و در این میان معلوم نباشد که این آزادی چیست؟ پاسداری از آن چگونه است و پاسدار آن کیست؟ در واقع، هنگامی که آزادی تنها به سوژه‌ای برای مردم‌فریبی مبدل شود، آن‌گاه جامعه با یک خطر بزرگ مواجه می‌شود. چه بسا افرادی که برای فریب افکار عمومی، آزادی را به نوعی زیر پا گذاشتن تمام گذشته‌ها تعبیر و تفسیر کنند و جامعه را به شکستن تمامی حدود و ثغور فراخوانند تا از این طریق به آن دست یابند. مسلماً آن هنگامی که مسابقه عمومی در لگدکوب کردن سنت‌ها، عرف‌ها، اخلاقیات، ارزش‌ها و قوانین جاری شروع شود، دیگر هیچ حد و مرزی برای پایان آن نمی‌توان تصور کرد و در چنین شرایطی، آزادی خود، نخستین قربانی هرج‌ومرج‌طلبی خواهد شد. در صورتی که جامعه در هدف‌گیری خود برای دستیابی به آزادی دچار اشتباه شود و به جای آن، گام در وادی حرمت‌شکنی، بی‌قانونی، ابتذال و امثال این‌ها گذارد، دیری نخواهد پایید که به دلیل خدشه‌دار شدن امنیت فردی و اجتماعی حرکت‌هایی از بطن اجتماع برای استقرار امنیت از دست رفته، برخوانند خواست. و در این وادی نیز از آن‌جا که این حرکت‌ها، انفعالی و بدون شناخت از آزادی و امنیت‌اند، بروز نوعی سطحی‌نگری و سرکوب‌گری، کاملاً امکان‌پذیر می‌نماید. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱).

انسان‌ها با استفاده از آزادی و اختیار خویش باید قابلیت‌های بالقوه خود را بالفعل کرده و کمال بخشند. در اندیشه اسلامی و حتی غربی، ظرف فعلیت‌بخشی، استعدادهای انسانی، عرصه اجتماعی و مدنی است و مدنیت انسان نیز محتاج نظم و امنیت است و آفرینندگی و ابتکار - یعنی اصلی‌ترین ممیزه تمدن - تنها در صورت وجود امنیت، شکوفا و بالنده می‌شود.

بدین ترتیب کارویژه آزادی در تحقق قابلیت‌های انسانی و ایجاد مدنیت و تمدن و فرهنگ متعامل با دین و خلاقیت در علم و هنر، بیش از هر چیز نیازمند ثبات و استقرار اجتماعی و امنیت و آسایش است. جامعه بالنده و آزاد و ایمن، با تأمین امنیت خویش، خاستگاه و زادگاه تمدن و فرهنگ است و از سوی دیگر بالندگی تمدنی و فرهنگی ضامن حفظ ثبات و امنیت و جامعه آزاد است.

بدین ترتیب، آزادی با امنیت نه تنها تنافی ندارد، بلکه متعامل و قرین است و مقدمه و ضامن حیات اصیل و ارجمند مادی و معنوی است. اما اگر منظور از آزادی، تبعیت از طواغیت نفسانی و غیرنفسانی و رهایی از تمام قیودات و ارزش‌های دینی و اجتماعی باشد و به نظم اجتماعی اخلال وارد کند، بدیهی است که چنین آزادی منفی مطلوب نبوده و در تعارض با امنیت و ثبات حاکمیت نظام سیاسی قرار می‌گیرد؛ چون مطمح نظر آن، توطئه‌گری و سوءاستفاده از این حق خدادادی است. باید آن را با قیود شرعی، اجتماعی و عرفی مقید کند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۱).

برای نشان دادن ارتباط وثیق آزادی و امنیت می‌توان از تعاریفی یاد نمود که در آن‌ها امنیت به آزادی و آزادی به استقرار امنیت تعریف شده است: «امنیت، آزادی از عدم امنیت است» و نیز «امنیت، آزادی نسبی از

تهدیدات آسیب‌رساننده است.» (تاجیک، ص ۴۳). «آزادی، یعنی استقرار امنیت همگانی در چهارچوب قانون». بر این اساس، آزادی و امنیت دو گوهر همزاد شمرده شده‌اند که با یکدیگر معنا و مصداق می‌یابند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱).

نقش نهادها در تعامل آزادی و امنیت

نهادها می‌توانند در ایجاد تعامل بین آزادی و امنیت در جامعه نقش داشته باشند که ما به برخی از این نهادها البته با توجه به آثار و بیانات حضرت امام خمینی (ره)، اشاره مختصر می‌کنیم:

نهاد حکومت: در اندیشه امام خمینی (ره)، حکومت و تشکیل جامعه مدنی از سوی انسان‌ها برای پایان دادن به وضعیت هرج و مرج، ستم و بی‌عدالتی و بی‌نظمی و ناامنی است. انسان به این دلیل در برابر اقتدارات حکومت تسلیم می‌شود که محیط زندگی وی امن گردد و در چنین محیطی بتواند به تحصیل حقوق خود (از جمله حق طبیعی آزادی) و رشد استعدادهای خویش نائل آید. ضرورت تشکیل حکومت برای تحقق آزادی، امنیت، گسترش عدالت، تعلیم و تربیت شهروندان، حفظ نظم، رفع ستم و جلوگیری از تجاوز بیگانگان از بدیهی‌ترین احکام عقلی است که مورد تأیید شرع و وحی نیز قرار گرفته است. جایگاه و ارزش امنیت در جامعه در نگاه امام (ره)، به گونه‌ای است که وجود امنیت در جامعه را پیش‌شرط همه لذت‌ها و خوشی‌های دنیوی قلمداد می‌کند و معتقد است سعادت دنیوی بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نیست، و به این دلیل دولت اسلامی را موظف به تأمین سعادت دنیوی شهروندان و ضامن حفظ امنیت آنان می‌داند. (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷)

امام در این مورد سخن از اطمینان به میان می‌آورد که همان امنیت همه جانبه است و می‌فرماید: «من به شما برادرها مژده می‌دهم که چنانچه ما با هم برسیم به آنجایی که محتوای اسلام در این مملکت همه جا پیاده بشود، یک حال طمأنینه و حال اطمینان به ملت، اطمینان به کشور، اطمینان به همه چیز کشور حاصل می‌شود که سرآمد همه خوبی‌هاست. انسان اگر چنانچه همه خوشی‌ها را داشته باشد، لکن حال اطمینان نداشته باشد، متزلزل باشد، تمام آن خوشی‌ها تلخ می‌شود... این طمأنینه روحی، بهترین چیزی است که برای انسان هست» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۲ - ۴۳).

بر همین اساس، امنیت و آزادی به هم ارتباط می‌یابند و هر یک بدون دیگری بی‌معنا خواهد بود؛ آزادی، اساس امنیت است و امنیت باعث فعلیت و شکوفایی آزادی و تحقق آن در وجود فرد و جامعه می‌گردد. بنابراین آزادی آن است که فرد با احساس امنیت بتواند از آزادی‌اش به طور صحیح بهره‌برداری کند و گرنه آزادی همراه با اضطراب و ترس معنی ندارد: «آزادی در حدود ضوابط است... در حدود قواعد و قوانین آزادی هست؛ یعنی شما دیگر از کسی... نمی‌ترسید... این به این معنا - الحمدلله - ما الآن آزادیم.» (همان، ج ۶، ص ۴۶۶).

بدین ترتیب در اندیشه امام خمینی، آزادی همراه با امنیت و به عنوان اساس و پایه آن نه تنها یک اصل ارزشمند و قابل احترام است که باید پاس داشته شود، بلکه یکی از اهداف اصلی تأسیس حکومت است که امنیت در جامعه راه تحقق آن را هموار می‌سازد.

در کلام امام (ره)، سخنانی وجود دارد که بر حفظ و امنیت حریم خصوصی انسان‌ها تأکید شده است. امام خمینی در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرائی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمود، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آنها به ویژه امنیت قضائی به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است. در این نامه، به دولت و کارگزاران حکومتی دستور می‌دهد که امنیت در حوزه و حریم خصوصی افراد را به دلیل «لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به‌ویژه دستگاه‌های قضائی و لزوم جانسپین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق» رعایت نمایند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹؛ به نقل از: لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

پاره‌ای از بندهای نامه مذکور، که به فرمان هشت ماده‌ای نیز مشهور شده است، به اختصار عبارت‌اند از:

- ۱- ضایع نشدن حقوق مردم (بندهای ۱ و ۲).
- ۲- رسیدگی به صلاحیت قضات، دادستان‌ها و دادگاه‌ها و... با سرعت و دقت عمل (بند ۲).
- ۳- میزان، حال فعلی اشخاص است (بند ۲).
- ۴- استقلال و قدرت قضات واجد شرایط (بند ۳).
- ۵- تأکید بر عدل اسلامی (بند ۳).
- ۶- عدم حق توقیف یا احضار کسی بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعی باشد (بند ۴).
- ۷- توقیف یا احضار به عنف جرم است (بند ۴).
- ۸- عدم حق دخل و تصرف در مال افراد مگر به حکم حاکم شرع و پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم (بند ۵).
- ۹- عدم حق ورود به خانه، مغازه و محل کار افراد بدون اذن صاحب آنها (بند ۶).
- ۱۰- عدم حق جلب افراد یا تعقیب یا مراقبت به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه (بند ۶).
- ۱۱- عدم حق اهانت نسبت به افراد (بندهای ۳ و ۶ و ۷).
- ۱۲- عدم حق گوش دادن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا شنود گذاشتن (بند ۶).
- ۱۳- عدم حق تجسس از گناهان دیگران یا اسرار آنها یا فاش کردن آنها (بندها).
- ۱۴- برخورد با توطئه‌گران که در خانه‌های تیمی برای براندازی نظام و ترور افراد می‌کوشند در چهارچوب صدور مأموریت و ضوابط مقرر و جهات شرعیه (بند ۷).
- ۱۵- عدم حق اشاعه فحشا (بند ۷).
- ۱۶- عدم حق قضا مبنی بر صدور حکمی که مأموران اجرائی براساس آن بتوانند به منازل و محل کار افراد وارد شوند (بند ۷) (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹ - ۱۴۳).

در موارد فوق، مردم از امنیت و آزادی برخوردار هستند و حتی با احکام قضائی نیز این امنیت و آزادی سلب‌شدنی نیست؛ مگر در موارد مشهود و نیز مواردی که ضوابط شرعی و قانونی در آن‌ها به‌طور کامل لحاظ شود.

توزیع عادلانه ثروت در جامعه توسط دولت در برقراری و تحقق امنیت، نقش مهمی ایفا می‌کند و در مقابل، توزیع ناعادلانه ثروت موجبات ناامنی را در جامعه فراهم می‌سازد. از این‌رو در چنین شرایطی فعالیت آزادانه در امور اقتصادی نیز دچار اختلال می‌شود و شرایط ناسالم و ناعادلانه و در نتیجه ناامنی فراهم می‌گردد.

حق ندارد حاکم و ولی امر، یک ناحیه را بیش‌تر توجه کند، یک طرف از کشور را زیاده‌تر از طرف دیگر کشور آباد کند. حق ندارد حتی یک جایی را کم‌تر از جای دیگر خیابان‌کشی یا آسفالت کند. (همان، ج ۱۱، ص ۲۹۲).

به هر حال نباید از یاد برد که یکی از مقدمات مهم انجام هر فعالیت آزاد اقتصادی، آرامش و امنیت است که پشتوانه همه بخش‌های اقتصاد، اعم از تولید، توزیع و مصرف به شمار می‌رود. دولت موظف به ایجاد محیط امن اقتصادی و اطمینان دادن به مردم از وجود چنین امنیتی است.

دولت می‌بایست محیط فرهنگی مساعد و مناسبی برای پرورش فکری و روانی احاد افراد جامعه به وجود آورد. وجود آزادی اندیشه و آزادی بیان در قالب‌های گوناگون، برای همه افراد و قشرهای مختلف و تأمین برابر و یکسان امکانات فرهنگی برای پیشرفت‌های فکری و پژوهش‌های علمی به ویژه در رشته‌های علمی علوم انسانی، سبب تأمین امنیت فرهنگی می‌گردد. ایجاد نظام فکری مطلوب و پیدایش هویت عموم منسجم اعضای جامعه و انسجام و همبستگی آنان سبب تأمین جو فرهنگی مساعد در کشور در سطح کلان خواهد گردید. پوچی، بی‌ارادگی، بی‌هویتی، سردرگمی و بی‌هدفی، فرار سرمایه‌های فکری و متخصص، ترس از ارائه‌نظر و فقدان گفتگوهای آزاد و رکود و جمود فکری جامعه، از نتایج ناامنی فرهنگی است. (لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴).

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

«راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.» (همان، ج ۱، ص ۳۹۰).

آزادی‌های فرهنگی و تبادل آزادانه فکر و تربیت صحیح اسلامی از دیدگاه امام، از ابزارهای تأمین امنیت در جامعه است. از نگاه ایشان هدف تمامی ادیان الهی، تصحیح رفتار و اعمال و اعتقادات بشر است تا به محاسن اخلاقی مزین شود.

تحقق تعادل و امنیت روحی و روانی فرد از طریق نهاد خانواده آغاز و در نهاد مدرسه کامل‌تر می‌گردد. آموزش عمومی برای همگان نیز از اصول مورد توجه امام خمینی است. (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۶).

رشد عقلی افراد در دوره مدرسه شکل می‌گیرد، به همین دلیل بایستی کودکان را از همان دوران کودکی به خوبی تربیت نمود تا خواهان تحقق آزادی و امنیت باشند.

در باب مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی نیز امام خمینی معتقد است رادیو و تلویزیون یک دانشگاه عمومی است که باید مردم را تربیت کند و همه افرادی که آگاهی و توانایی دارند باید از فرصتی برابر با دیگران برخوردار باشند تا بتوانند برای رسانیدن طرح‌ها و پیشنهادات خود به مردم بهره‌گیرند. (همان، ج ۶، ص ۳۹۹).

طبق این سخن امام(ره)، رسانه‌های عمومی خبری، علاوه بر ارتقاء آگاهی عمومی، وظیفه انتقال دیدگاه‌های مردم را نیز عهده‌دار هستند. افزون بر آن، صدا و سیما را مرکزی برای دفاع از حقوق مظلومان و راهی برای تحقق امنیت و آزادی می‌داند.

همچنین یکی از زمینه‌های تحقق آزادی و پاسداری از امنیت، امکان برخورداری از آزادی قلم و بیان در مطبوعات است تا اطلاعات و حقایق به صورت واضح و صحیح به مردم منتقل شود. روزنامه‌ها می‌بایست در خدمت مردم باشند و آنان را در جریان مسائل مختلفی که در جامعه می‌گذرد، قرار بدهند. یکی از وظایف آنان دفاع از مستضعفین و مظلومین و زدودن ترس و تهدید از چهره جامعه است. مطبوعات و اهل قلم، می‌توانند امنیت فرهنگی را به نحو مطلوبی در جامعه ایجاد نمایند. ایشان توصیه می‌کنند:

«نویسنده‌های ما، گویندگان ما، همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مأیوس نکنند ملت را، بگویند توانا هستیم، نگویند ناتوان هستیم، بگویند خودمان می‌توانیم». (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۳۷).

«علاوه بر ایجاد آرامش و اطمینان، مطبوعات نباید فضای کشور را متشنج و پرهرج و مرج نشان دهند. بلکه موظفند از تیرهایی که سبب تحریک و تضعیف مردم می‌گردد و یا مخالف واقعیت است، پرهیز نمایند.» (همان، ج ۱۲، ص ۴۸۵).

جمع‌بندی

در نسبت میان آزادی و امنیت توجه به این مسئله حائز اهمیت است که امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی است و نه صرفاً برای دولت و حاکمان و اصحاب قدرت. برای نهادینه ساختن رابطه آزادی و امنیت و تعامل این دو لازم است مجموعه قوانینی وضع و به اجرا گذارده و نهادهایی تأسیس شود تا با تأمین امنیت در همه سطوح، بر این مسئله نظارت و تأمین آزادی را به‌طور مداوم ضمانت نماید. همچنین لازم است به مشارکت و رقابت فعال در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توجه مناسبی صورت گیرد و باید فضای امنیتی جامعه به سمتی هدایت شود تا تکثر بپذیرد و به مثابه یک اصل اساسی مورد توجه و مبنای عمل هر فعالیتی قرار گیرد.

با توجه به آثار و بیانات امام خمینی (ره)، می‌توان گفت که، رابطه بین آزادی و امنیت، تعاملی است و نهادها می‌توانند در تنظیم این تعامل مؤثر باشند؛ مثلاً، نهادهایی چون خانواده و تعلیم و تربیت می‌توانند کودکان را از همان دوران کودکی طوری تربیت کنند که خواهان تحقق آزادی و امنیت باشند. و نهادی چون حکومت می‌تواند زمینه را برای ایجاد توأمان آزادی و امنیت در جامعه فراهم کند. البته از طریق به‌کارگیری راهکارهایی مانند:

۱. توزیع عادلانه ثروت در جامعه.
۲. مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی.
۳. اشتغال‌زایی.
۴. قانونگذاری و اجرای قانون.
۵. مبارزه با فساد اداری، رشوه، ربا، استثمار در بخش تولید و مقابله با احتکار و گران‌فروشی و سرقت اموال عمومی در قسمت توزیع و همچنین جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع کشور.
۶. آزادی‌های فرهنگی و تبادل آزادانه فکر و تربیت صحیح اسلامی.
۷. امکان برخورداری از آزادی قلم و بیان در مطبوعات.
۸. ارتقاء آگاهی عمومی از طریق رسانه‌های عمومی خبری.
۹. آموزش عمومی برای همگان.
۱۰. در برخی موارد تأمین امنیت و برخورداری از آزادی از طریق تحقق عدالت میسر است. و....

منابع

- آرمین، محسن، (۱۳۸۷)، «امنیت و آزادی، تعارض یا تلازم»، نشریه خراسان، شماره ۸۷/۵/۴.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۹)، «آزادی، امنیت و حدود آن»، جام جم، شماره ۷۹/۷/۵.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، عبدالرسول، (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه فرهنگ دینی.
- برلین، آیزایا، (۱۳۶۸)، چهار مقاله درباره آزادی، محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج.ا.ا، رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رضوی فقیه، سعید، (۱۳۷۹)، «دولت، امنیت و آزادی»، نشریه آفتاب امروز، ۷۹/۱/۱۵.
- رادمند، داود، (۱۳۷۹)، «امنیت و آزادی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سمت.
- رضایی، مسعود، «آزادی و امنیت دو گوهر همزاد»، هفته‌نامه ارزش‌ها، شماره ۷۱.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۷۹)، مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- عمید، حسن، (۱۳۶۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- فیاض، جلال، (۱۳۸۷)، «توسعه و امنیت»، قدس ۸۷/۶/۱۳.
- لکزایی، شریف، (۱۳۸۵)، «مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۴.
- لکزایی، شریف، (۱۳۸۰)، آزادی در اندیشه شهید مطهری و شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه باقرالعلوم.
- میراحمدی، منصور، (۱۳۸۳)، جزوه درسی، استاد دانشگاه.
- معلوف، لوئیس، (۱۳۶۵)، المنجد، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱)، گفتارهای معنوی، قم: انتشارات صدرا.
- منتسکیو، شارل لوئی، (۱۳۶۲)، روح القوانين، ترجمه: علی اکبر مجتهدی، تهران: امیرکبیر.
- منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۵)، «امنیت ملی و آزادی سیاسی» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳.

- نائینی، محمد حسین، (۱۳۸۲)، *تنبيه الامه و تنزيه المله*، قم: بوستان کتاب.

Archive of SID